

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۲

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۴/۶

## مقایسه ی متغیرهای هوش هیجانی و راهبردهای مقابله ای در موفقیت و عدم موفقیت در آزمون سراسری

زهرة نورعلی\*، دکتر علیرضا عابدین\*\*

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی و راهبردهای مقابله ای افراد موفق و ناموفق در آزمون سراسری بود. بدین منظور ۱۹۵ دانشجوی ترم یک از دانشگاه های دولتی شهر تهران (گروه موفق) و ۱۹۹ داوطلب شرکت در آزمون سراسری که حداقل یک بار در کنکور شرکت کرده اند (گروه ناموفق) به صورت نمونه ی در دسترس انتخاب شدند. سپس پرسشنامه های هوش هیجانی بار-اون و راهبردهای مقابله ای بلینگز و موس، روی آنها اجرا شد. نتایج به دست آمده نشان داد که افراد موفق، خود شکوفاتر و خوشبین ترند، تکانه های خود را بهتر کنترل می کنند، سازگاری بالاتری دارند و هوش هیجانی کلی آنها نیز بالاتر است. افراد موفق بهتر از افراد ناموفق با فشارها مقابله می کنند؛ از طرفی افراد ناموفق از راهبردهای مقابله ای متمرکز بر هیجان (مهاره هیجانی و جسمانی) بیشتر بهره می جویند. در مجموع، این مطالعه حاکی از ارتباط معنادار بین هوش هیجانی و راهبردهای مقابله ای موفقیت و عدم موفقیت در کنکور بود.

**واژه های کلیدی:** موفقیت تحصیلی، هوش هیجانی، راهبردهای مقابله ای

#### مقدمه

نیاز به پیشرفت یکی از نیازهای اساسی آدمی است. ماحصل تلاش در خصوص برآوردن این نیاز، دستیابی به موفقیت در ابعاد مختلف زندگی بوده است، از طرفی موفقیت در زندگی به موفقیت در تحصیلات مرتبط است (تودارو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱). استعداد های ذهنی، فکری و توسعه‌ی تکنولوژیکی اجزای کلیدی موفقیت محسوب می شوند و در این راستا آموزش عالی به عنوان تجهیز کننده‌ی زیر ساخت های جامعه در زمینه‌ی توسعه‌ی منابع انسانی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (پری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰).

پیش بینی عملکرد تحصیلی، یکی از موضوعات محوری مورد علاقه‌ی محققان است. متغیرهای مؤثر در پیشرفت تحصیلی به عوامل زیستی و روانی - اجتماعی تقسیم شده است. در این میان بیشترین تمرکز بر عوامل زیستی، از قبیل وراثت و عوامل روانی - اجتماعی همچون هوش بوده است (کتل<sup>۳</sup> و بوچر<sup>۴</sup>، ۱۹۶۸؛ به نقل از بار- اون، ۲۰۰۰). هوش به مواردی همچون توانایی درک، فهم و استفاده از سمبول ها؛ یعنی پاسخگویی انتزاعی اشاره دارد (سیاروچی<sup>۵</sup>، فورگاس<sup>۶</sup> و میر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). نظریه پردازان هوشبهر تلاش کرده اند به جای آنکه عواطف و هوش را دو مفهوم متضاد در نظر بگیرند، عواطف را به حیطه‌ی هوش وارد کنند. از این رو، ای. ال. ثرندایک<sup>۸</sup> (۱۹۳۷) هوش اجتماعی؛ یعنی توانایی درک دیگران و عمل کردن عاقلانه در ارتباط‌های بشری را، به عنوان جنبه‌ی ای از هوشبهر مطرح کرد. دیوید وکسلر<sup>۹</sup> (۱۹۴۰) معتقدند که ابعاد غیر شناختی هوش، نظیر توانایی های عاطفی - هیجانی، شخصی و اجتماعی در پیش

1- Toodaroo

2- Peray

3- Cattle

4- Butcher

5- Siarochi

6- Forgas

7- Mayer

8- E. L. Thorendike

9- Wechsler

بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی اهمیت دارند. آن ها دو نوع هوش "شناختی" و "غیرشناختی" را طرح نمودند (گلمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). سازه ی هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه ی ارتباط تفکر و هیجان است. این اصطلاح اولین بار از سوی سالووی و میر<sup>۲</sup> به عنوان شکلی از هوش اجتماعی مطرح شد. هوش هیجانی به توانایی مدیریت احساسات و هیجانات خویش و دیگران، تشخیص هیجانات در خود و دیگران، پذیرش چشم اندازهای سایر افراد، کنترل روابط و توانش های اجتماعی اشاره دارد. هیجانات منابع اولیه ی انگیزشی هستند که اعمال انسان را برانگیخته و حفظ و هدایت می کنند. چنانچه هیجانات به صورت مناسبی تعدیل و به کار گرفته شوند، ظرفیت های شناختی را افزایش می دهند (لزارد<sup>۳</sup>، ۱۹۷۱؛ لیپر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۴؛ تامکینز<sup>۵</sup>، ۱۹۶۲؛ به نقل از حدادی کوهسار، ۱۳۸۲). محققان در راستای ارتباط هیجانات و پیشرفت تحصیلی، تلاش های بسیاری نموده اند. پارکر<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۴) بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنادار یافتند. سلیگمن<sup>۷</sup> (۱۹۸۴) نشان داد که خوش بینی می تواند موفقیت تحصیلی را پیش بینی کند؛ چراکه خوش بینی رفتار هیجانی را تسهیل می کند و فرد را برای انجام بهترین ها بر می انگیزد.

پیشرفت علم و تکنولوژی و گسترش روز افزون اطلاعات در عصر جدید، تحولات سریع اجتماعی و تغییر سبک زندگی را به دنبال داشته است؛ به گونه ای که قرن بیستم، قرن استرس و اضطراب و اخیراً قرن مقابله نامگذاری شده است (اندلر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از بار-اون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰). مقابله به کوشش های شناختی و رفتاری برای مهار کردن نیازها و مدارا با خواسته های درونی و

1- Golman

2- Salovay & Mir

3- Lezard

4- Leeper

5- Tamkins

6- Parker

7- Seligman

8- Endler

9- Bar-On

بیرونی و تعارض بین آنها، که به عنوان تقاضایی فراتر از منابع شخصی ارزیابی می شود، اشاره دارد (لازاروس و فولکمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴، همان منبع). مقابله‌ی مؤثر اغلب نقشی محوری در هوش هیجانی دارد. سالووی، بیدل<sup>۲</sup>، دتویلر<sup>۳</sup> و میر (۱۹۹۹) مدعی‌اند که افراد با هوش هیجانی بالاتر به گونه‌ی موفق‌تری مقابله می‌کنند؛ چرا که اگر آنها به گونه‌ی دقیق حالات هیجانیشان را ادراک و ارزیابی کنند، می‌دانند چه وقت احساساتشان را ابراز کنند و به شیوه‌ی مؤثری می‌توانند حالات خلقی خود را تنظیم کنند. همچنین بار-اون مدیریت استرس و انطباق‌پذیری را دو مؤلفه‌ی عمده‌ی هوش هیجانی می‌داند (بار-اون، ۲۰۰۰).

رفتار و خصوصیات هر فردی متأثر از رویدادهای مختلفی است که در جریان رشد واقع می‌شود و در این میان دوره‌ی جوانی یکی از بحرانی‌ترین دوره‌ها برای سازندگی شخصیت است. از نظر تحولی، این دوره، دوره‌ی شکل‌گیری و آماده‌شدن است و این گروه در پی کشف و آزمودن ظرفیت‌های خود می‌باشند. در جریان این تحول فرد با انواع تعارض‌ها و تقاضاهای اجتماعی درگیر می‌شود. در جامعه‌ی ایران یکی از این تقاضاها که نقشی تعیین‌کننده و مؤثر در سایر ابعاد زندگی فرد به جای می‌گذارد، آزمون ورودی دانشگاه‌ها است و شکست یا موفقیت در آن نقش به‌سزایی در آینده‌ی شغلی، روابط بین فردی، خودپنداره، عزت‌نفس و تبیین‌های آتی فرد از موفقیت و شکست دارد. دی‌آنجلیس<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) نشان داد افرادی که از راهبرد مقابله‌ای حل‌مسأله در مواجهه با بحران استفاده می‌کنند، پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند. با اینکه کنکور یکی از آزمون‌های مهم در کشور ایران است، اما تحقیقات اندکی پیرامون عوامل مؤثر در موفقیت و شکست در آن صورت گرفته است. تحقیقاتی هم که گزارش شده، بیشتر تأثیر متغیرهای جنسیت، معدل دیپلم، نمره دروس عمومی و اختصاصی، رشته تحصیلی و اضطراب مورد بررسی قرار گرفته و متغیرهای روانی - اجتماعی مورد غفلت واقع شده است؛ بنابراین

<sup>1</sup> -Lazarus & Folkman

<sup>2</sup> -Bedell

<sup>3</sup> -Detweiler

<sup>4</sup> -Deangelios

ضرورت انجام پژوهش پیرامون این متغیرها احساس می شود. در مقاله ی حاضر، ارتباط متغیرهای هوش هیجانی و راهبردهای مقابله ای در شکست و موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه ها مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، به آزمون فرضیه های زیر پرداخته شده است:

- ۱- بین هوش هیجانی افراد موفق و ناموفق در کنکور تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۲- بین راهبردهای مقابله ای افراد موفق و ناموفق در کنکور تفاوت معنادار وجود دارد.

## روش

طرح کلی پژوهش پس رویدادی (علی- مقایسه ای) از نوع مقطعی است و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان و داوطلبان آزمون سراسری شهر تهران می باشد. آزمودنی های پژوهش دو گروه بودند: ۱۹۶ نفر از دانشجویان ترم یک دانشگاه های سراسری، به عنوان گروه موفق و ۱۹۹ نفر از داوطلبان شرکت در آزمون سراسری مشغول به تحصیل در آموزشگاه ها در سال ۸۳ به عنوان گروه ناموفق، که حداقل یک بار در کنکور سراسری شرکت کرده اند. گروه نمونه به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین منظور به چند آموزشگاه و دانشگاه مراجعه شد و گروه نمونه به صورت افراد داوطلب شرکت، انتخاب و پرسشنامه های هوش هیجانی بار-اون و راهبردهای مقابله ای بر روی آنها اجرا شد.

## پرسشنامه ی هوش هیجانی بار-اون:

یک ابزار ۱۳۳ سؤالی برای سنجش هوش هیجانی با طیف لیکرت پنج درجه ای از "هرگز" تا "همیشه" است. با اجرای این پرسشنامه ۱۵ نمره ی خرده مقیاس ها و ۵ نمره مقیاس ترکیبی و یک نمره کلی EQ که از مجموع نمرات خرده مقیاس هاست، به دست می آید. خرده مقیاس های آزمون شامل خودآگاهی هیجانی، حرمت ذات، قاطعیت، استقلال، خود شکوفایی، همدلی، مسؤولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، تحمل فشار، کنترل تکانه، واقعیت آزمایی، انعطاف پذیری، حل مسأله، خوش بینی و شادکامی است. شمس آبادی (۱۳۸۳) پایایی پرسشنامه ی هوش

هیجانی بار-اون را بر روی دانش آموزان مقطع دبیرستان محاسبه کرد. میانگین ضرایب پایایی به روش بازآزمایی، بعد از یک ماه برای آزمودنی ها برابر ۰/۷۲ و به روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۳ بود. اعتبار این پرسشنامه تاکنون در ایران مورد سنجش واقع نشده است؛ انجام نشده است با این حال در خارج از ایران به طور گسترده ای مورد بررسی قرار گرفته و جزئیات آن در راهنمای تکنیکی EQ-I آمده است (بار-اون، ۱۹۹۷).

### پرسشنامه‌ی راهبردهای مقابله‌ای بلینگز و موس<sup>۱</sup> (۱۹۸۴):

این پرسشنامه حاوی ۳۲ سؤال است و در مقیاس ۴ درجه ای لیکرت (۰ تا ۳) نمره‌گذاری می‌شود. حسینی قدمگاهی (۱۳۷۶) با اندکی دخل و تصرف و ترجمه و تنظیم مجدد این فرم، ضریب پایایی ۰/۷۹ را از طریق بازآزمایی برای نمره کلی و مقدار پایایی بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ را برای خرده مقیاس ها به دست آورد. این پرسشنامه نمراتی برای ۵ نوع راهبرد مقابله‌ای به دست می‌دهد که عبارتند از: حل مسأله، ارزیابی شناختی، جلب حمایت اجتماعی، مهار هیجانی و مهار جسمانی. در تقسیم بندی دیگری خرده مقیاس های حل مسأله، ارزیابی شناختی و جلب حمایت اجتماعی، تحت عنوان راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسأله و خرده مقیاس های مهار هیجانی و مهار جسمانی، به عنوان راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر هیجان ارائه شده است.

### یافته ها

فرضیه ی اول: بین هوش هیجانی افراد موفق و ناموفق در کنکور تفاوت معنادار وجود دارد.

جهت بررسی تفاوت گروه ها در ۱۵ خرده مقیاس هوش هیجانی و نمرات ترکیبی، از آزمون t گروه های مستقل استفاده شده و نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است.

<sup>1</sup> -Belings & Moss

جدول ۱: آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه ی میانگین ۱۵ خرده مقیاس و نمرات

ترکیبی هوش هیجانی افراد موفق و ناموفق در کنکور

سطح معناداری	t	df	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	متغیر	
						گروه موفق	گروه ناموفق
۰/۹۱	۰/۱۰	۳۹۲	۴/۹۷	۲۷/۹۳	۱۹۵	گروه موفق	۱- خودآگاهی هیجانی ES
			۵/۱۵	۲۷/۸۸	۱۹۹		
۰/۸۴	۰/۱۹	۳۹۲	۳/۲۷	۲۳/۴۰	۱۹۵	گروه موفق	۲- جرأت ورزی AS
			۴/۴۴	۲۳/۳۲	۱۹۹		
۰/۳۳	۰/۹۷	۳۸۵	۵/۹۳	۳۳/۱۱	۱۹۵	گروه موفق	۳- احترام به خود SR
			۶/۹۳	۳۲/۴۸	۱۹۹		
۰/۰۳*	۲/۱۲	۳۹۲	۴/۱۵	۳۲/۸۷	۱۹۵	گروه موفق	۴- خودشکوفایی SA
			۳/۹۸	۳۲	۱۹۹		
۰/۸۵	۰/۱۸	۳۹۲	۴/۲۹	۲۳/۵۱	۱۹۵	گروه موفق	۵- استقلال IN
			۴/۲۹	۲۳/۴۳	۱۹۹		
۰/۷۷	-۰/۲۸	۳۹۲	۴/۷۰	۳۰/۸۴	۱۹۵	گروه موفق	۶- همدلی EM
			۴/۵۵	۳۰/۹۷	۱۹۹		
۰/۶۳	-۰/۴۸	۳۹۲	۶/۵۵	۳۹/۷۷	۱۹۵	گروه موفق	۷- روابط اجتماعی IR
			۶/۹۲	۴۰/۱۰	۱۹۹		
۰/۹۵	۰/۰۵	۳۹۲	۵/۳۹	۳۷/۲۳	۱۹۵	گروه موفق	۸- مسؤولیت پذیری اجتماعی RE
			۵/۸۵	۳۷/۲۰	۱۹۹		
۰/۳۳	۰/۹۶	۳۸۹	۵/۵۳	۳۰/۲۱	۱۹۵	گروه موفق	۹- حل مسأله PS
			۶/۱۳	۲۹/۶۴	۱۹۹		
۰/۲۵	۱/۱۳	۳۸۸	۵/۹۱	۳۲/۳۷	۱۹۵	گروه موفق	۱۰- آزمون واقعیت RT
			۶/۶۳	۳۱/۶۵	۱۹۹		
۰/۳۶	۰/۹۱	۳۹۲	۴/۵۸	۲۶/۸۰	۱۹۵	گروه موفق	۱۱- انعطاف پذیری FL
			۴/۵۷	۲۶/۳۷	۱۹۹		
۰/۰۷	۱/۷۹	۳۸۳	۴/۱۶	۲۹/۱۱	۱۹۵	گروه موفق	۱۲- تحمل استرس ST
			۴/۷۹	۲۸/۱۴	۱۹۹		
۰/۰۰۰***	۳/۵۷	۳۹۲	۷	۳۱/۵۲	۱۹۵	گروه موفق	۱۳- کنترل تکانه IC
			۷/۲۵	۲۸/۹۴	۱۹۹		
۰/۲۸	۱/۰۶	۳۸۵	۴/۴۹	۳۲/۴۰	۱۹۵	گروه موفق	۱۴- شادکامی HA
			۵/۲۴	۳۱/۸۷	۱۹۹		

۰/۰۲*	۲/۲۲	۳۸۱	۴/۲۵	۲۹/۸۳	۱۹۵	گروه موفق	۱۵-خوش بینی OP
			۵/۱۳	۲۸/۷۷	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۱**	۲/۵۷	۳۹۰	۴۴/۹۹	۴۱۶/۳۱	۱۹۵	گروه موفق	۱۶-هوش هیجانی کلی EQ-i
			۴۹/۴۹	۴۰۴/۰۴	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۲۹	۱/۰۴	۳۷۸	۱۴/۵۱	۱۴۰/۸۴	۱۹۵	گروه موفق	EQ درون فردی
			۱۷/۹۹	۱۳۹/۱۲	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۷۴	-۰/۳۲	۳۹۲	۱۲/۹۱	۱۰۷/۸۵	۱۹۵	گروه موفق	EQ بین فردی
			۱۳/۷۱	۱۰۸/۲۸	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۱۴	۱/۴۵	۳۹۲	۱۱/۰۳	۸۹/۳۸	۱۹۵	گروه موفق	مقیاس سازگاری
			۱۲/۱۳	۸۷/۶۷	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۰***	۳/۲۳	۳۹۲	۱۰/۱۴	۶۰/۶۴	۱۹۵	گروه موفق	مقیاس مقابله با فشار
			۱۱/۵۷	۵۷/۰۹	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۵۷	۱/۹	۳۸۵	۷/۵۷	۶۲/۲۳	۱۹۵	گروه موفق	مقیاس خلق کلی
			۸/۸۴	۶۰/۶۵	۱۹۹	گروه ناموفق	

\*\*\*  $P < ۰/۰۱$ \*\* $P < ۰/۰۵$ \* $P < ۰/۱$ 

جدول ۱ حاکی از تفاوت معنادار بین مؤلفه‌های خود شکوفایی و خوش بینی ( $P < ۰/۰۵$ )، هوش هیجانی کلی ( $P < ۰/۰۱$ ) کنترل تکانه ( $P < ۰/۰۰۱$ ) و مقابله با فشار ( $P < ۰/۰۰۱$ ) بین افراد موفق و ناموفق در کنکور بوده است، به این معنا که افراد موفق خود شکوفایی، خوش بینی، کنترل تکانه و هوش هیجانی بالاتری دارند و بهتر از افراد ناموفق با فشارها مقابله می‌کنند.

فرضیه ی دوم: بین راهبردهای مقابله‌ای افراد موفق و ناموفق در کنکور تفاوت معنادار وجود دارد.

جهت مقایسه‌ی میانگین نمرات راهبردهای مقابله‌ای گروه موفق و ناموفق در کنکور از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده و نتایج به شرح جدول ۲ ارائه شده است.



جدول ۲: آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه ی میانگین نمرات راهبردهای مقابله ای گروه

موفق و ناموفق در کنکور

سطح معناداری	t	df	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	متغیر	
						گروه موفق	گروه ناموفق
۰/۶۵	-۰/۴۴	۳۹۲	۱/۷۱	۴/۶۴	۱۹۵	۱-حل مسأله	
			۱/۵۲	۴/۷۱	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۲۷	۰/۳۵	۳۸۶	۲/۴۲	۷/۰۱	۱۹۵	۲-ارزیابی شناختی	
			۲/۸۱	۶/۴۲	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۹۱	-۰/۱۱	۳۹۲	۲/۰۷	۵/۱۹	۱۹۵	۳- جلب حمایت اجتماعی	
			۲/۵۴	۵/۲۲	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۰۰***	-۴/۱۵	۳۸۴	۳/۷۹	۱۳/۶۶	۱۹۵	۴- مهار هیجانی	
			۴/۴۵	۱۵/۳۹	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۰۴*	-۱/۹۸	۳۹۲	۳/۳۶	۵/۴۵	۱۹۵	مهار جسمانی	
			۳/۶۱	۶/۱۵	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۱۳	-۱/۵	۳۹۲	۴/۴۴	۱۹/۸۱	۱۹۵	راهبردهای مقابله ای متمرکز بر مسأله	
			۵/۱۶	۲۰/۵۴	۱۹۹	گروه ناموفق	
۰/۰۰۰***	-۳/۶	۳۹۲	۶/۲۲	۱۹/۱۲	۱۹۵	۲-راهبردهای مقابله ای متمرکز بر هیجان	
			۶/۹۷	۲۱/۵۵	۱۹۹	گروه ناموفق	

\*  $P < 0.05$  \*\*\*  $P < 0.001$

با توجه به جدول ۲، تفاوت معنا داری بین راهبردهای مقابله ای مهار جسمانی ( $P < 0.05$ )، مهار هیجانی ( $P < 0.001$ ) و راهبردهای مقابله ای متمرکز بر هیجان ( $P < 0.001$ ) بین افراد موفق و ناموفق وجود دارد، یعنی افراد ناموفق بیش از افراد موفق از راهبردهای مقابله ای مهار جسمانی و مهار هیجانی استفاده می کنند و عمدتاً راهبردهای مقابله ای آنها متمرکز بر هیجان است.

## بحث

نتایج حاصله از بررسی فرضیه اول حاکی از تفاوت معنادار برخی خرده مقیاس های هوش هیجانی بین افراد موفق و ناموفق در کنکور است. افراد موفق خود شکوفاتر و خوش بین ترند، تکانه های خود را بهتر کنترل می کنند، سازگاری بالاتری دارند و هوش هیجانی کلی آنها نیز بالاتر است. هر چند در تحقیقات محدودی از جمله تحقیقات جیمز کریستید<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) و تایپا<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) ارتباط بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی تأیید نشده است، با این حال در اکثر تحقیقات رابطه ی بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج تحقیقات بوساکوا و بوساکوا و کالکانی<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، نلسون و نلسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، پارکر و سامرفلدت و هاگهن و ماجیسکی<sup>۵</sup> (۲۰۰۴)، کارسو و سالووی<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، باند و هاگان<sup>۷</sup> (۲۰۰۴)، زارع (۱۳۸۰) و منصور (۱۳۸۰) نشان می دهد که بین نمرات هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت وجود دارد. این نتایج همسو با نتیجه به دست آمده در تحقیق حاضر می باشد. پترایدز<sup>۸</sup>، فریدریکسون<sup>۹</sup> و فرنهم<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴) دریافته اند که افراد موفق سازگارترند و هوش هیجانی بین فردی بالاتری دارند. پارکر و همکاران (۲۰۰۴) دریافته اند که تواناییهای درون فردی افراد موفق بیشتر است و آنها خود شکوفاترند. سلیگمن (۱۹۸۴) نیز نشان داد افراد موفق خوشبین ترند. تحقیقات مذکور تأییدی بر یافته های پژوهش حاضر می باشد.

---

1 -Krestead

2 -Taipa

3 -Boussiakou & Boussiakou and Kalkani

4 -Nelson & Nelson

5 -Parker, Summerfeldt, Hogan & Majeski

6 -Caurso & Salovey

7 -Bond & Hogan

8 -Petrides

9 -Frederikson

10 -Furnham

قویترین فشار روانی نگرانی در دوره نوجوانی، نگرانی درباره ی آینده است (آرما کاست<sup>۱</sup>؛ مک گوایر<sup>۲</sup> و میتی<sup>۳</sup> ۱۹۸۷؛ اومیزو<sup>۴</sup> و سوزوکی<sup>۵</sup> ۱۹۸۸؛ شریدان و اسمیت<sup>۶</sup> ۱۹۸۷؛ استارک<sup>۷</sup>، اسپریتو<sup>۸</sup>، ویلیامز<sup>۹</sup> و گورمانت<sup>۱۰</sup> ۱۹۸۹، به نقل از اندا<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۰). این نگرانی با توجه به نوع گزینش افراد برای ورود به دانشگاه در ایران که منوط به یک آزمون است، بُعد اضطراب آورتری به خود می گیرد. بنابراین کنترل خواسته ها و نیازها و به دنبال آن تمرکز بر هدف و مقابله با فشار های ناشی از این آزمون که در مدرسه، خانواده و اجتماع و خود فرد وجود دارد، اهمیت به سزایی می یابد.

وکسلر (۱۹۴۰، ۱۹۳۴؛ به نقل از بار-اون، ۲۰۰۰) معتقد بود که خوش بینی و خود شکوفایی، رفتار هوشمندانه را تسهیل می کند، هر دو عامل با تسهیل رفتار هیجانی و ایجاد انرژی در فرد، او را برای انجام بهترین ها بر می انگیزد. از طرفی میلتن<sup>۱۲</sup> اعتقاد داشت توانایی دیدن فرای شکست، عامل دیگری در موفقیت فرد است. توانایی تفکر مثبت و استفاده از ذهن به عنوان ابزار خلاقیت و حل مسأله و در واقع خوش بینی، رسیدن فرد به موفقیت را تسهیل می کند. افراد موفق خود شکوفا تر و خوش بین ترند، با فشارها بهتر مقابله می کنند، تکانه های خود را بهتر کنترل می کنند و در نهایت اینکه هوش هیجانی کلی آنها بالاتر است.

1 -Armacost

2 -Mc Guire

3 - Mitie

4 -Omizo

5 -Suzuki

6 -Smith

7 -Stark

8 -Spirito

9 -Williams

10 -Gueremont

11 -Anda

12 -Milton

کسانی که با استرس های ناشی از کنکور بهتر مقابله می کنند و در راه به فعل رساندن توانایی های خود با امید دستیابی به موفقیت گام بر می دارند، احتمال موفقیتشان در کنکور بالاتر است. از طرفی به خاطر جایگاه خاص دانشگاه در جامعه ایران، افرادی که در کنکور قبول می شوند، با استرس های زندگی خود بهتر مقابله می کنند و با امید به آینده توانمندی های خود را شکوفا می کنند.

نتایج به دست آمده از بررسی فرضیه دوم تحقیق، حاکی از تفاوت معنادار بین راهبردهای مقابله ای مهار هیجانی و مهار جسمانی و در تقسیم بندی دیگر راهبردهای مقابله ای متمرکز بر هیجان بین آنها بود. به این ترتیب که افراد ناموفق بیش از افراد موفق از راهبردهای مقابله ای مهار هیجانی و جسمانی استفاده می کنند و به عبارتی راهبردهای مقابله ای آنها متمرکز بر هیجان است. دی آنجلیس (۲۰۰۳) نشان داد که بین راهبردهای مقابله ای حل مسأله و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد. این یافته در این تحقیق تأیید نشد، شاید بتوان دلیل آن را به ضعف پرسشنامه در سنجش راهبرد مقابله ای حل مسأله نسبت داد؛ چنانکه علی رغم سنجش مناسب چهار راهبرد دیگر و اختصاص تعداد سؤالات بیشتری به آنها، تنها دو سؤال از ۳۲ سؤال پرسشنامه این راهبرد را می سنجد.

به نظر می رسد افرادی که با استرس های خاص این دوره به صورتی هیجان مدار عمل می کنند، احتمال موفقیتشان پایین تر است. در واقع گویی انرژی فرد به جای تمرکز بر تلاش و حل مسأله- که در اینجا موفقیت در کنکور است- صرف کاهش هیجانان ناشی از آن می شود. با توجه به یافته های پژوهش حاضر می توان گفت که افراد موفق کسانی هستند که توانایی شناخت توانمندی های بالقوه خود را دارند، می توانند سائق ها و نیازهای خود را در کنترل در آورده و با استرس های زندگی مقابله کنند و با رویکردی مثبت به زندگی، در راه به فعل رساندن استعداد های خود قدم بردارند. افراد ناموفق بیش از افراد موفق از راهبردهای مقابله ای مهار هیجانی و مهار جسمانی (راهبردهای مقابله ای متمرکز بر هیجان) استفاده می کنند. با توجه

به یافته های فوق، ضرورت افزایش مهارتهای هوش هیجانی و مقابله ای در افراد داوطلب کنکور لازم به نظر می آید، چرا که ارتقا این مهارت ها میزان موفقیت آنها را بالا می برد.

### محدودیت ها و پیشنهادات

- ۱- از آنجا که بسیاری از افرادی که تنها یک بار در کنکور شرکت کرده اند، خود را شکست خورده نمی دانند و از طرفی اکثر آزمودنی ها حداقل یک بار آزمون داده بودند، شاید این گروه معرف مناسبی برای افراد شکست خورده نبوده اند. پیشنهاد می شود کسانی در این گروه گمارده شوند که حداقل دو بار در کنکور رد شده اند.
- ۲- از آنجا که امکان دستیابی به افراد ناموفق در کنکور کم بود، از افرادی استفاده شد که در آموزشگاه ها مشغول به تحصیل بودند و این موضوع منجر به سوگیری گروه نمونه شده و تعمیم نتایج را محدود کرده است. پیشنهاد می شود گروه ناموفق از داوطلبانی که الزاما در کلاس های کنکور شرکت می کنند، انتخاب نشوند.
- ۳- به منظور بررسی دقیق تر ارتباط متغیرهای مورد مطالعه با موفقیت و شکست در آزمون ورودی، پیشنهاد می شود که گروهی از داوطلبان قبل از کنکور و همچنین بعد از اعلام نتایج مورد بررسی قرار گیرند و سپس نیمرخ شخصیتی آنها در این متغیر ها انجام شود.

### منابع

- ۱- تودارو، مایکل. (۱۳۶۹). *توسعه ی اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه ی فرجادی و سهرابی، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- حدادی کوهسار، علی اکبر. (۱۳۸۲). *بررسی مقایسه ای رابطه ی هوش هیجانی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان شاهد و غیر شاهد*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه شاهد.
- ۳- حسینی قدمگاهی، جواد (۱۳۷۶). *کیفیت روابط اجتماعی، میزان استرس و راهبردهای مقابله با آن در بیماران کرونری قلب*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انیستیتو روانپزشکی تهران، علوم پزشکی ایران.
- ۴- زارع، م. (۱۳۸۰). *مطالعه ی سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انیستیتو روانپزشکی تهران، علوم پزشکی ایران.
- ۵- شمس آبادی، روح اله. (۱۳۸۳). *هنجار یابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه ی هوش هیجانی بار-اون در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر مشهد*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انیستیتو روانپزشکی تهران، علوم پزشکی ایران.
- ۶- منصوری، بهزاد. (۱۳۸۰). *هنجار یابی آزمون هوش هیجانی شیرینگ برای دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه های شهر تهران*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- 7-Anda, D.D (2000). *Stressor and coping among high school Students. Children and Youth Services Review, 22, 441- 463*
- 8-Bar - on, R. (1997). *Bar - on Emotional Quotient Inventory (EQ - I: A of Measure Emo Intelligence(Technical Manual)*. Toronto, Canadei: Multi-Health Systems.
- 9-Bar - on, R. (2000). *The hand book of Emotional Intelligence* (SanFrancisco, California: Jossy \_ Bass
- 10-Bond, B. J and Hogan, M. J. (2004). *Academic achievement in high*

school: does emotional intelligence matter? *Personality and Individual Differences*, 37, 1321-1331.

11-Boussiakou, L. G., Boussiakou, I. K and Kalkani, E. C (2006). Student development using emotional intelligence. *World Transaction on Engineering and Technology Education*, 5. 1.

12-Caruso, D. R and Salovey, P. (2004). *The emotional intelligence manager: How to develop the four key emotional skills of leadership*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

13-Ciarrochi, J., & Forgas, J. P., Mayer, J.D. (2001). *Emotional intelligence in life*. Philadelphia. PA: psychology press.

14-Deangelis, S. (2003). Non cognitive predictors of academic performance: going beyond the traditional measures. *Journal of Allied Health*, 32, 52-57.

15 -Golman, D. (1995). *Emotional intelligence*. NewYork: Bantam.

16- Nelson, D. & Nelson, K. (2003). *Emotional intelligence: Skills: Significant factors in freshman achievement and retention*. (ERIC Document Reproduction Service No. cg032375).

17-Petrides.K'V", Frederickson, N. & Furnham, A.(2004)o The role of trait emotion intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Individual Differences*, 36, 357-364.

18-Perry Raymond P(1990). special section: Instruction in Higher Education, Introduction to the special section, *journal of Education Psychology*, vol.32, N.2: 183-88

19-Parker, J. D. A., Summerfeldt, L. J., Hogan, M. J. & Majeski, S. A. (2004). Emotional Intelligence and academic success: Examining the transition from high school to university. *Personality and Individual Differences*, 36, 163-172

20- Rosenbam, D. L., & Seligman, M. E. P.(1986). *Abnormal psychology (2 ed.)*: New York, London.WiW. Norton & company, Inc

21-Tapia, M. (1999). The relationships of the emotional intelligence inventory, <http://Search ERIC.org/ericdc.ED448207.htm>